بسم الله الرحمن الرحیم

انس با قرآن

فضیلت قاری قرآن

تذکر: توجه داشته باشید که روایات اهل بیت در کنار یکدیگر تفسیر می‌شوند[1] و مفهوم کامل آن‌ها توسط دیگر احادیث درک می‌گردد، بر همین اساس با دقت در روایات دیگر مشخص می‌گردد که این مقدار از فضیلت برای کسانی است که قرآن را می‌خوانند، با آن انس دارند، در آن تفکر می‌کنند و سعی وافر در عمل به آن دارند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم به سلمان فارسی فرمود:

ای سلمان ملازم باش به خواندن قرآن که:

۱ـ خواندن آن کفاره گناهان است،

۲ـ و مانع از آتش،

۳ـ و امان از عذاب،

و برای کسی که قرآن می‌خواند:

۴ـ در مقابل هر آیه ثواب صد شهید نوشته می‌شود،

۵ـ و در قبال به هر سوره‌ای ثواب پیغمبری داده می‌شود،

۶ـ و رحمت بر صاحب آن فرود می‌آید،

۷ـ و فرشتگان برای او استغفار می‌کنند،

۸ـ و بهشت مشتاق وی می‌شود،

۱ـ الف) امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ ص مِثْلُ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ قَدْ كَانَ يَكُونُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص الْكَلَامُ لَهُ وَجْهَانِ كَلَامٌ عَامٌّ وَ كَلَامٌ خَاصٌّ مِثْلُ الْقُرْآنِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ ـ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر/۷) ـ فَيَشْتَبِهُ عَلَى مَنْ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَمْ يَدْرِ مَا عَنَى اللَّهُ بِهِ وَ رَسُولُهُ ص ـ

امر پیغمبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم هم مانند قرآن ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه دارد، گاهی رسول خدا صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم به دو طریق سخن می‌فرمود: سخنی عام و سخنی خاص مثل قرآن. و خدای عزّ و جلّ در کتابش فرموده: ـ آن‌چه را پیغمبر برای‌تان آورده اخذ کنید و از آن‌چه نهی‌تان کرده باز ایستید ـ کسی که مقصود خدا و رسولش را نفهمد و درک نکند (امر) بر او مشتبه شود.

الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۱، ص۶۴

ب) در همین رابطه امام رضا علیه‌السلام نیز فرموده‌اند:

مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدِيَ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فِي أَخْبَارِنَا مُتَشَابِهاً كَمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ وَ مُحْكَماً كَمُحْكَمِ الْقُرْآنِ فَرُدُّوا مُتَشَابِهَهَا إِلَى مُحْكَمِهَا وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهَا دُونَ مُحْكَمِهَا فَتَضِلُّوا ـ

هر کس متشابهات قرآن را به محکمات آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شده است، سپس فرمودند: در اخبار ما نیز همانند قرآن محکم و متشابه وجود دارد، برای همین متشابهات آن را به محکمات آن ارجاع دهید و فقط به دنبال متشابهات آن نروید که گمراه می‌شوید.

عیون أخبارالرضا علیه‌السلام؛ ج۱ ص۲۹۰

۹ـ و خدا از وی راضی می‌گردد،

و به درستی که چون مؤمن قرآن را بخواند:

۱۰ـ خدا با رحمت به او نظر کند،

۱۱ـ و به هر آیه‌ای که از قرآن خوانده حوریه‌ای به او بدهد،

۱۲ـ و به هر حرفی که از قرآن خوانده نوری بر صراط عطا کند،

پس چون ختم کند قرآن را:

۱۳ـ ثواب سیصد و سیزده پیغمبر که رسالت‌های پروردگار خود را رسانده باشند به او مرحمت فرماید،

۱۴ـ و مانند این است که هر کتابی را که خدا فرستاده باشد بر پیامبران خود، خوانده است،

۱۵ـ و خدا بدن او را بر دوزخ حرام گرداند،

۱۶ـ و از جای خود برنخیزد تا آن‌که خدا او را و پدر و مادر او را بیامرزد،

۱۷ـ و بدهد او را به هر سوره قرآن شهری در بهشت فردوس،

۱۷/۱ـ هر شهری از یک دانه مروارید سبز

۱۷/۲ـ در هر شهری هزار سرا باشد

۱۷/۳ـ و در هر سرایی هزار حجره باشد

۱۷/۴ـ در هر حجره صد گنبد از نور

۱۷/۵ـ بر هر گنبد صد هزار در از رحمت

۱۷/۶ـ بر هر دری صد هزار دربان

۱۷/۷ـ به دست هر دربان هدیه‌ای به بهترین رنگ‌ها

۱۷/۸ـ و بر سر هر دربان دستاری از استبرق (حریر زر بافت) که بهتر است از دنیا و هر چه در اوست

۱۷/۹ـ و در هر گنبدی هزار دکان از عنبر

۱۷/۱۰ـ فراخی هر دکان از مشرق تا مغرب

۱۷/۱۱ـ و بالای هر دکان هزار تخت

۱۷/۱۲ـ و بر هر تختی هزار فرش

۱۷/۱۳ـ و از فراشی تا فراشی هزار ذرع (بیش از هزار متر)

۱۷/۱۴ـ و بر هر فراشی حوری چشم فراخ

۱ـ۱۷/۱۴ـ که دور سرین او هزار ذرع باشد

۲ـ۱۷/۱۴ـ و بر اوست صد حلّه

۳ـ۱۷/۱۴ـ و دیده می‌شود مغز ساق او از زیر حلّه‌های او

۴ـ۱۷/۱۴ـ و بر سر او تاجی است از عنبر آراسته به مروارید و یاقوت

۵ـ۱۷/۱۴ـ و بر سر او شصت هزار گیسو است از مشک و غالیه

۶ـ۱۷/۱۴ـ و در دو گوش او دو گوشواره است

۷ـ۱۷/۱۴ـ و در گردن او هزار گردن‌بند است از جواهر

۸ـ۱۷/۱۴ـ ما بین هر گردن‌بندی هزار ذرع

۹ـ۱۷/۱۴ـ و پیش هر حوری هزار خدمتکار

۹/۱ـ۱۷/۱۴ـ به دست هر خدمتکاری هزار جام از طلا

۹/۲ـ۱۷/۱۴ـ در هر جامی هزار رنگ شربت که نماند بعضی از آن به بعضی

۹/۳ـ۱۷/۱۴ـ و در هر گنبدی هزار خوان باشد

۹/۴ـ۱۷/۱۴ـ و در هر خوانی صد هزار کاسه

۹/۵ـ۱۷/۱۴ـ و در هر کاسه صد هزار رنگ از طعام که نماند بعضی از آن بعضی

۹/۶ـ۱۷/۱۴ـ می‌یابد دوست خدا از هر رنگی صد هزار لذت.

ای سلمان چون مؤمن قرآن را بخواند:

۱۸ـ خدا درهای رحمت را بر او می‌گشاید،

۱۹ـ و در ازای هر حرفی که بیرون از دهانش بیرون بیاید، خداوند فرشته‌ای خلق می‌کند که تا روز قیامت تسبیح گوید، (و ثواب آن به او برسد)،

و همه‌ی این‌ها به این دلیل است که:

۲۰ـ بعد از یاد گرفتن علم، هیچ چیزی نزد خداوند از خواندن قرآن محبوب‌تر نیست،

۲۱ـ و به درستی که بزرگوارترین بندگان نزد خدای‌تعالی بعد از پیغمبران عالمانند و بعد از عالمان حاملان قرآن،

۲۲ـ (حاملان قرآن) بیرون می‌روند از دنیا چنانچه بیرون می‌روند پیغمبران،

۲۳ـ و برمی‌خیزند از قبرها با پیغمبران،

۲۴ـ و می‌گذرند بر صراط با پیغمبران،

۲۵ـ و می‌گیرند ثواب پیغمبران را،

پس خوشا به طالب علم و حامل قرآن به دلیل آن‌چه نزد خدای تعالی دارند از بزرگواری و شرافت.[1]

۱ـ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا سَلْمَانُ عَلَيْکَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ وَ سُتْرَةٌ مِنَ النَّارِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِقِرَاءَةِ كُلِّ آيَةٍ ثَوَابُ مِائَةِ شَهِيدٍ وَ يُعْطَى بِكُلِّ سُورَةٍ ثَوَابَ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ تَنْزِلُ عَلَى صَاحِبِهِ الرَّحْمَةُ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ اشْتَاقَتْ إِلَيْهِ الْجَنَّةُ وَ رَضِيَ عَنْهُ الْمَوْلَى وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ آيَةٍ أَلْفَ حُورٍ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ حَرْفٍ نُوراً عَلَى الصِّرَاطِ فَإِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ نَبِيّاً بَلَّغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَ كَأَنَّمَا قَرَأَ كُلَّ كِتَابٍ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى أَنْبِيَائِهِ وَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ لَا يَقُومُ مِنْ مَقَامِهِ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِأَبَوَيْهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ وَ كُلُّ مَدِينَةٍ مِنْ دُرَّةٍ خَضْرَاءَ فِي جَوْفِ كُلِّ مَدِينَةٍ أَلْفُ دَارٍ وَ فِي كُلِّ دَارٍ أَلْفُ حُجْرَةٍ وَ فِي كُلِّ حُجْرَةٍ مِائَةُ أَلْفِ بَيْتٍ مِنْ نُورٍ عَلَى كُلِّ بَيْتٍ مِائَةُ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الرَّحْمَةِ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِائَةُ أَلْفِ بَوَّابٍ بِيَدِ كُلِّ بَوَّابٍ هَدِيَّةٌ مِنْ لَوْنٍ آخَرَ وَ عَلَى رَأْسِ كُلِّ بَوَّابٍ مِنْدِيلٌ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ مِائَةُ أَلْفِ دُكَّانٍ مِنَ الْعَنْبَرِ سَعَةُ كُلِّ دُكَّانٍ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ فَوْقَ كُلِّ دُكَّانٍ مِائَةُ أَلْفِ سَرِيرٍ وَ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ مِائَةُ أَلْفِ فِرَاشٍ وَ مِنْ فِرَاشٍ إِلَى فِرَاشٍ أَلْفُ ذِرَاعٍ وَ فَوْقَ كُلِّ فِرَاشٍ حَوْرَاءُ عَيْنَاءُ اسْتِدَارَةُ عَجِيزَتِهَا أَلْفُ ذِرَاعٍ وَ عَلَيْهَا مِائَةُ أَلْفِ حُلَّةٍ يُرَى مُخُّ سَاقَيْهَا مِنْ وَرَاءِ تِلْکَ الْحُلَلِ وَ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنَ الْعَنْبَرِ مُكَلَّلٌ بِالدُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا سِتُّونَ أَلْفَ ذُؤَابَةٍ مِنَ الْمِسْکِ وَ الْغَالِيَةِ وَ فِي أُذُنَيْهَا قُرْطَانِ وَ شَنْفَانِ وَ فِي عُنُقِهَا أَلْفُ قِلَادَةٍ مِنَ الْجَوْهَرِ بَيْنَ كُلِّ قِلَادَةٍ أَلْفُ ذِرَاعٍ وَ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ حَوْرَاءَ أَلْفُ خَادِمٍ بِيَدِ كُلِّ خَادِمٍ كَأْسٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِي كُلِّ كَأْسٍ مِائَةُ أَلْفِ لَوْنٍ مِنَ الشَّرَابِ لَا يُشْبِهُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَلْفُ مَائِدَةٍ وَ فِي كُلِّ مَائِدَةٍ مِائَةُ أَلْفِ قَصْعَةٍ وَ فِي كُلِّ قَصْعَةٍ أَلْفُ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ لَا يُشْبِهُ بَعْضُهُ بَعْضاً يَجِدُ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ مِائَةَ أَلْفِ لَذَّةٍ يَا سَلْمَانُ الْمُؤْمِنُ إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ الرَّحْمَةِ وَ خَلَقَ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ مَلَكاً يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بَعْدَ تَعَلُّمِ الْعِلْمِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا يَخْرُجُ الْأَنْبِيَاءُ وَ يُحْشَرُونَ مِنَ الْقُبُورِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَمُرُّونَ عَلَى الصِّرَاطِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَأْخُذُونَ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ فَطُوبَى لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَ حَامِلِ الْقُرْآنِ مَا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ الشَّرَفِ. جامع الأخبار(للشعيری) ص۳۹

دوستی اهل بیت علیهم‌السلام

ذلِكَ الَّذي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (شوری/۲۳)

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

تفسیر آیه

در آیات قبل به بیان اجر عظیم مؤمنان پرداخته است که در سایه رسالت و پیامبری رسول گرامی اسلام محقق شده است و از آن‌جا که ابلاغ این رسالت از سوی پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم گاه این توهم را ایجاد می‌کرد که او چه اجر و پاداشی در برابر رسالت خود از مردم می‌طلبد به دنبال این سخن به پیامبر دستور می‌دهد:«بگو: من هیچ اجر و پاداشی بر این موضوع از شما درخواست نمی‌کنم، جز این‌که ذوی‌القربای مرا دوست دارید». (**قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى**).

دوستی ذوی‌القربی بازگشت به مسأله ولایت و قبول رهبری ائمه معصومین علیهم‌السلام از دودمان پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌کند که در حقیقت تداوم خط رهبری آن حضرت و ادامه مسأله ولایت الهیه است، و پر واضح است که قبول این ولایت و رهبری همانند نبوت پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم سبب سعادت خود انسان‌ها است و نتیجه‌اش به خود آن‌ها بازگشت می‌کند.

توضیح این‌که:

مفسران در تفسیر این جمله بحثهای فراوانی دارند و تفسیرهای مختلفی، که هر گاه با ذهن خالی از پیشداوری‌ها به آن‌ها نگاه کنیم می‌بینیم بر اثر انگیزه‌های مختلفی از مفهوم اصلی آیه دور شده‌اند، و احتمالاتی را برگزیده‌اند که نه با محتوای آیه سازگار است و نه با شأن نزول و سایر قرائن تاریخی و روایی.

روی‌هم‌رفته چهار تفسیر معروف برای آیه وجود دارد.

۱ـ همان که در بالا اشاره شد که منظور از ذوی‌القربی نزدیکان پیغمبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم است و محبت آن‌ها وسیله‌ای است برای قبول امامت و رهبری ائمه معصومین علیهم‌السلام از دودمان آن حضرت، و پشتوانه‌ای بر ادای رسالت.

جمعی از مفسران نخستین، و تمام مفسران شیعه این معنا را برگزیده‌اند، و روایات فراوانی از طرف شیعه و اهل سنت در این زمینه نقل شده است.

۲ـ منظور این است که اجر و پاداش رسالت دوست داشتن اموری است که شما را به «قرب الهی» دعوت می‌کند.

این تفسیر را که جمعی از مفسران اهل سنت انتخاب کرده‌اند به هیچ‌وجه با ظاهر آیه سازگار نیست، زیرا در این صورت معنی آیه چنین می‌شود که از شما می‌خواهم که اطاعت الهی را دوست بدارید، و مودت آن را به دل بسپارید، در حالی که باید گفته شود من از شما اطاعت الهی را می‌خواهم (نه مودت اطاعت الهی).

بعلاوه در میان مخاطبین آیه کسی وجود نداشت که دوست ندارد به خدا نزدیک شود حتی مشرکان نیز علاقه داشتند که به خدا نزدیک شوند و اصولاً عبادت بت‌ها را وسیله‌ای برای این کار می‌پنداشتند.

۳ـ منظور این است که شما بستگان خودتان را به عنوان پاداش رسالت دارید و صله رحم بجا آورید.

با این تفسیر هیچ تناسبی در میان رسالت و پاداش آن وجود ندارد، زیرا دوست داشتن بستگان خود چه خدمتی می‌تواند به پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم بوده باشد؟

و چگونه ممکن است اجر رسالت قرار داده شود؟!

۴ـ منظور این است که پاداش من این است که خویشاوندی مرا نسبت به خود محفوظ دارید، و به‌خاطر این‌که با اکثر قبایل شما رابطه خویشاوندی دارم مرا آزار ندهید (زیرا پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم از طریق نسبی با قبایل قریش ارتباط داشت و از طریق سببی ـ ازدواج ـ با بسیاری از قبایل دیگر، و از طریق مادر با جمعی از مردم مدینه از قبیله بنی‌النجار، و از طرف مادر رضاعی به قبیله بنی‌سعد).

این تعبیر بدترین معنایی است که برای آیه شده است چرا که درخواست اجر رسالت از کسانی است که رسالت او را پذیرا شده‌اند، و هر گاه کسانی رسالت را پذیرا شوند دیگر نیازی به این بحث‌ها نیست، آن‌ها پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم را به عنوان فرستاده الهی احترام می‌گذارند، احتیاجی ندارد که به خاطر قرابت و خویشاوندیش او را محترم بشمرند، چرا که احترام ناشی از قبول رسالت ما فوق همه‌ی این‌ها است، در واقع این تفسیر را باید از اشتباهات بزرگی شمرد که دامان بعضی از مفسران را گرفته و مفهوم آیه را به کلی مسخ کرده است.[1]

اشاره به معنای این‌که خداوند بر حُسن عمل می‌افزاید

« **وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ**» کلمه «اقتراف» به معنای اکتساب است، و کلمه «حسنه» به معنای آن عملی است که مورد رضای خدای سبحان باشد، و در ازایش ثواب دهد، و کلمه «حسن» در مورد عمل به معنای سازگار بودن آن با سعادت آدمی، و با آن هدفی است که او در نظر دارد، هم چنان که «مساءت» و بدی و زشتی عمل، بر خلاف این است، و معنای «زیادتر کردن حسن عمل» این است که جهات نقص آن را تکمیل کند، و از این باب است زیادتر کردن ثواب عمل، هم‌چنان که در آیه «**وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كانُوا يَعْمَلُونَ** ـ و به طور مسلم بهتر از آن‌چه می‌کردند جزای‌شان می‌دهیم».(عنکبوت/۷)

و آیه «**لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ** ـ خداوند بهتر از آن‌چه می‌کردند جزای عمل‌شان قرار داده، و از فضل خود بیشتر هم بدهد».(نور/۳۸) به هر دو جهت نظر دارد، هم تکمیل نواقص، و هم زیادی ثواب.

و معنای آیه مورد بحث این است که: هر کس حسنه‌ای به جای آورد، ما با رفع نواقص آن و زیادی اجر حسنی بر آن حسنه می‌افزاییم که خدا آمرزگار است و بدی‌ها را محو می‌کند، و شکور است، خوبی‌های عمل را از عاملش ظاهر و برملا می‌سازد.

بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از «حسنه» همان مودت به قربای رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم است، و مؤید این احتمال روایاتی است که از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، که آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً» در باره مودت به قربای رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم نازل گردیده است.

و در جمله «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» التفاتی از تکلم به غیبت به کار رفته، چون قبل از این جمله خدای تعالی گوینده بود، می‌فرمود ما چنین و چنان می‌کنیم، و در اینجا غایب حساب شده، می‌فرماید خدا غفور و شکور است. و وجه این التفات آن است که خواسته به علت غفور و شکور بودن خود اشاره کند، و بفرماید بدین جهت غفور و شکور است که «اللّه» است.[2]

۱ـ تفسیر نمونه، ج۲۰، ص ۴۰۶

۲ـ ترجمه تفسیر المیزان ج۱۸ ص ۷۰ به بعد به‌طور خلاصه شده

اجر رسالت

در بسیاری از آیات قرآن مجید می‌خوانیم: پیامبران می‌گفتند پاداشی از شما در برابر دعوت رسالت نمی‌خواهیم، و پاداش ما تنها بر پروردگار عالمیان است «**ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلى رَبِّ الْعالَمِينَ**»[1].

و در مورد شخص پیامبر اسلام نیز تعبیرات مختلفی دیده می‌شود: در یک جا می‌گوید:

۱ـ «**قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ** ـ بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شما است اجر و پاداش من فقط بر خداوند است».(سبا/۴۷)

۲ـ و در جای دیگر می‌خوانیم: «**قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا** ـ بگو من در برابر ابلاغ رسالت هیچ‌گونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم، مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند».(فرقان/۵۷)

۳ـ و بالآخره در مورد دیگری می‌گوید: «**قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ** ـ من از شما پاداشی نمی‌طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی‌کنم».(ص/۸۶)

هر گاه این آیات سه‌گانه را با آیه مورد بحث در کنار هم بگذاریم نتیجه‌گیری کردن از آن آسان است:

۱ـ در یک جا به کلی نفی اجر و مزد می‌کند.

۲ـ در جای دیگر می‌گوید: من تنها پاداش از کسی می‌خواهم که راهی به سوی خدا می‌جوید.

۳ـ و در مورد سوم می‌گوید پاداشی را که از شما خواسته‌ام برای خود شما است.

و بالآخره در آیه مورد بحث می‌افزاید: مودت در قربی پاداش رسالت من است،

یعنی:

من پاداشی از شما خواسته‌ام که این ویژگی‌ها را دارد:

۱ـ مطلقا چیزی نیست که نفعش عائد من شود،

۲ـ صد در صد به سود خود شما است،

۳ـ و چیزی است که راه شما را به سوی خدا هموار می‌سازد.[2]

به این ترتیب آیا جز مسأله ادامه خط مکتب پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم به وسیله رهبران الهی و جانشینان معصومش که همگی از خاندان او بوده‌اند امر دیگری می‌تواند باشد؟ منتها چون مسأله مودت پایه این ارتباط بوده در این آیه با صراحت آمده است.

جالب این‌که غیر از آیه مورد بحث در قرآن مجید در پانزده مورد دیگر کلمه «القربی» به کار رفته که در تمام آن‌ها به معنی خویشاوندان و نزدیکان است با این‌حال معلوم نیست چرا بعضی اصرار دارند که «قربی» منحصراً در این‌جا به معنی «تقرب الی اللّه» بوده باشد، و معنی ظاهر و واضح آن‌را که در همه جا در قرآن در آن به کار رفته است کنار بگذارند؟

۱ـ سوره شعرا آیه ۱۰۹– ۱۲۷– ۱۴۵– ۱۶۴– ۱۸۰

۲ـ در آیات فوق هم اشاره به همین موضوع شده است:

قُل لَّا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَلَمِينَ ـ بگو من در برابر این رسالت از شما اجری درخواست نمی‌کنم، این رسالت (و یا قرآن) جز تذکر برای عالمیان نیست. (انعام/۹۰)

وَ مَا تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ـ و تو (هرگز) از آن‌ها پاداشی نمی‌طلبی؛ آن نیست مگر تذکّری برای جهانیان! (یوسف/۱۰۴)

این نکته نیز قابل توجه است که در پایان همین آیه مورد بحث می‌افزاید:

«آن کس که عمل نیکی انجام دهد بر نیکی عملش می‌افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و شکرگزار است و به اعمال بندگان جزای مناسب می‌دهد». (**وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ**).

چه حسنه‌ای از این برتر که انسان خود را همیشه در زیر پرچم رهبران الهی قرار دهد، حُبّ آن‌ها را در دل گیرد، و خط آن‌ها را ادامه دهد، در فهم کلام الهی آن‌جا که مسائل برای او ابهام پیدا کند از آن‌ها توضیح بخواهد، عمل آن‌ها را معیار قرار دهد، و آن‌ها را الگو و اسوه خود سازد.[1]

روایات متعدد و متواتری از فقهای شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه نقل شده است که تصریح دارد منظور از ذوی‌القربی در این آیه اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم یعنی امیرالمؤمنین و همسر و فرزندانش هستند.

فقط به یک روایت در این‌جا اشاره می‌نماییم.

در تفسیر قمی آمده که: پدرم از ابن ابی نجران از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم برایم حدیث کرد که گفت: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که فرمود: منظور از قربی در آیه «**قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى**» اهل بیت رسول خدایند آن گاه می‌فرماید: انصار (مسلمانان اهل مدینه) نزد رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم رفتند، و عرضه داشتند: ما شما را منزل دادیم و یاری کردیم، اینک مقداری از اموال ما را بگیر، و در رفع گرفتاری‌هایت مصرف کن، خدای تعالی در پاسخ‌شان این آیه را فرستاد؛ و سپس می‌فرماید: مگر نمی‌بینی که ممکن است مردی دوستی داشته باشد که در عین دوستیش با وی در دل کینه‌ای نسبت به اهل بیت او داشته باشد، در نتیجه دل او سلامت نخواهد داشت. خدای تعالی در این آیه خواسته است در دل رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم چیزی علیه امتش نباشد، لا جرم مودت در قربی را بر امت واجب کرد، حال اگر به آن عمل کنند واجبی را انجام داده‌اند، و اگر ترکش کنند باز واجبی را ترک کرده‌اند.

سپس فرمود: انصار از حضور رسول خدا برگشتند در حالی که به یکدیگر می‌گفتند:

ما اموال خود را در اختیار آن جناب گذاشتیم و او نپذیرفت، و دستور داد در دفاع از اهل بیتش با دشمنان‌شان بجنگیم. و طایفه‌ای از ایشان گفتند: نه رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم چیزی نگفت. طایفه‌ای هم کلام آن جناب را تکذیب نموده و آن را افتراء بر خدا خواندند و خدا تکذیب‌شان را در جمله «**أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً**»(آیه بعدی) حکایت کرده، و سپس فرموده:

«**فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلى قَلْبِكَ**» یعنی: بگو اگر من بر خدا افتراء ببندم خدا مهر بر دلم می‌زند، «**وَ يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ**» یعنی خدا باطل را هر چه هم صورت حق به جانبی داشته باشد باطل نشان می‌دهد، و حق را با کلماتش احقاق و اثبات می‌کند. و منظور از «کلماته» ائمه و قائم آل محمد (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) هستند، «**إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ**».[2]

۱ـ تفسیر نمونه، ج۲۰، ص۴۰۶ به بعد به صورت خلاصه شده

۲ـ ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۸، ص ۷۵ به بعد به‌طور خلاصه شده

اهمیت محبت اهل بیت در کلام امام خامنه‌ای

عواطف صحیح پشتوانه ایمان‌های خالص

فقه شیعه، فلسفه‌ی شیعه، کلام شیعی و معارف شیعی، در طول زمان، در میان تحریف‌ها، در میان شبهه‌افکنی‌ها، در میان بافندگی‌های شبه علمی، آن هم همراه با پشتوانه‌ی سیاسی ظالمانه، پشتوانه‌ی پول‌های بیت‌المال که در خدمت اهداف مغرضانه قرار می‌گرفته، توانسته است خود را، هم سالم نگه دارد، هم تکامل ببخشد، هم توسعه ببخشد و دل‌ها و ذهن‌های میلیون‌ها انسان را در اقطار عالم، نه فقط در ایران، مقهور عظمت و استحکام خود قرار دهد. این ناشی از چیست؟ یقیناً سلامت و اصالتِ این فکر، بیشترین تأثیر را دارد. اما جاهایی هست که قدرت علمی به تنهایی کافی نیست؛ یک چیز دیگر لازم است؛ آن چیزی که پشتوانه‌ی ایمان‌های خالص هم همان است؛ و آن، عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست است. این محبّت ائمه، این محبّت اهل‌بیت، همین چیزی که در قرآن هم روی آن تکیه شده؛ **«إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»**؛ این تمسّک به سخنان اهل‌بیت و راهنمایی‌های آن‌ها و انگشت راه‌گشای اشاره‌ی آن‌ها در همه‌ی مسائل، آن عامل مهمی است که توانسته این اندیشه‌ی سالم و مستحکم را از گزندها محفوظ نگه دارد. عالمان و متفکّرانی که مقهور پول و زور و قدرت و شهوت و بقیه‌ی لغزشگاه‌ها شدند، کم نیستند. آن عاملی که می‌تواند عالم و عامی را از این لغزشگاه‌ها دور نگه دارد، همین جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف است. این را شیعه حفظ کرده است.[1]

خدشه‌دار کردن محبت اهل بیت، خیانت است

از اولِ تاریخ تشیع تا امروز، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفه‌ی متکی به منطق، عاطفه‌ی متکی به حقیقت، نه عاطفه‌ی پوچ. لذا شما در قرآن هم ملاحظه می‌کنید که اجر رسالت، محبت و مودت در قربی است؛ **«قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»**. این خیلی نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه داشت. خدشه‌دار کردن این محبت به هر شکلی و به هر صورتی، خیانت به جریان عظیم محبت اهل بیت و پیروی اهل بیت است. این محبت را باید حفظ کنید.[2]

۱ـ فرمایشات در دیدار دانشجویان بسیجی«طرح ولایت» ـ ۱۰/ ۰۶/ ۱۳۷۹

۲ـ فرمایشات در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) در دیدار مداحان اهل بیت(ع) ـ ۸۹/۳/۱۳